36883 ـ اشتباهاتی که در راه رفتن به مزدلفه و در مزدلفه رخ می‌دهد

سوال

اشتباهاتی که ممکن است شخص در اثنای رفتن به مزدلفه مرتکب شود چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

شیخ محمد بن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«از جمله اشتباهاتی که در حین بازگشتن از عرفه به مزدلفه رخ می‌دهد:

نخست:

گاه در بازگشت از عرفه به مزدلفه برخی از حجاج برای هم مشکلاتی ایجاد می‌کنند، از جمله عجله که ممکن است به تصادف منجر شود. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ با آرامش و وقار از عرفه بازگشتند و در حالی که زمام شترشان قصواء را گرفته بودند با دست مبارکشان به مردم اشاره کرده و می‌فرمودند: ای مردم، آرامش، آرامش اما با این حال اگر فضایی خالی می‌دید سرعتش را بیشتر می‌کرد و چون به بلندی می‌رسید زمام شتر را رها می‌کرد تا از بلندی بالا رود، بنابراین پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در مسیر خود شرایط راه را در نظر می‌گرفت، اما در مورد اینکه سریع رفتن بهتر است یا آرامش، آرامش بهتر است.

دوم:

بعضی از مردم پیش از رسیدن به مزدلفه می‌ایستند، به ویژه آن‌هایی که پیاده هستند و به خاطر خستگی پیش از مزدلفه توقف می‌کنند و چه بسا تا نماز صبح آنجا می‌مانند و سپس به منی می‌روند. کسی که چنین کند مبیت یعنی شب ماندن در مزدلفه را از دست داده که این بسیار خطرناک است، چرا که شب ماندن در مزدلفه نزد برخی از علما جزو ارکان حج و نزد جمهور جزو واجبات است. برخی نیز آن را سنت می‌دانند اما صحیح‌تر این است که مبیت در مزدلفه از واجبات حج است و واجب است انسان شب را در مزدلفه بماند و جز در همان وقتی که شارع به وی اجازه داده ـ چنانکه ان شاء الله بیان خواهد شد ـ از مزدلفه بیرون نیاد.

سوم:

برخی از حجاج بر حسب عادت نماز مغرب و عشاء را پیش از رسیدن به مزدلفه می‌خوانند که این خلاف سنت است، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ وقتی در اثنای رفتن به مزدلفه توقف نمود و قضای حاجت کرد و وضو گرفت اسامه بن زید به ایشان گفت: نماز ای رسول خدا؟ ایشان فرمودند: نماز روبرویت [یعنی در مزدلفه] خواهد بود به روایت بخاری (۱۶۶۹) و مسلم (۱۲۸۰). و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نماز نخواند مگر هنگام رسیدن به مزدلفه. ایشان پس از دخول وقت عشاء به مزدلفه رسید و مغرب و عشاء را به صورت جمع تاخیر (یعنی در وقت عشاء) به جای آورد.

چهارم:

بعضی از مردم حتی اگر وقت نماز عشاء خارج شود تا رسیدن به مزدلفه نماز مغرب و عشاء را نمی‌خوانند که این کار جایز نیست و بلکه از گناهان کبیره است زیرا تاخیر نماز از وقتش بر اساس کتاب و سنت حرام است. الله تعالی می‌فرماید:

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا [نساء: ۱۰۳]

(همانا نماز برای مومنان در اوقات معین مقرر شده است).

و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ این اوقات را بیان و مشخص کرده است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ [طلاق: ۱]

(و هر کس از حدود [و مقررات] الله پا فرا نهد قطعا به خود ستم کرده است)

و می‌فرماید:

وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللّهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ [بقره: ۲۲۹]

(و کسانی که از حدود [احکام] الله تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند).

بنابراین اگر انسان از این ترسید که پیش از رسیدن به مزدلفه وقت نماز عشاء پایان یابد واجب است که نمازش را بخواند حتی اگر به مزدلفه نرسد، و بر حسب حال خود نماز را به جای آورد؛ اگر پیاده بود ایستاده و نمازش را کامل با قیام و رکوع و سجودش به جای می‌آورد و اگر سواره بود و نتوانست پیاده شود همانطور سوار بر اتومبیل نمازش را می‌خواند، زیرا الله متعال می‌فرماید:

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ [تغابن: ۱۶]

(پس تا می‌توانید تقوای الله را پیشه سازید).

هرچند این که نتواند از ماشینش پیاده شود امری بعید است، زیرا هر کس می‌تواند گوشه‌ی جاده، در سمت چپ یا راست متوقف شود و پیاده شده نمازش را به جای آورد.

در هر صورت جایز نیست که انسان به دلیل انجام سنت و اینکه می‌خواهد در مزدلفه نماز بخواند، نماز مغرب و عشاء را آنقدر به تاخیر اندازد که وقت عشاء خارج شود، زیرا این تاخیر خلاف سنت است. بله، رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ نمازش را به تاخیر انداخت (یعنی نماز مغرب را در وقت نماز عشاء خواند) اما نمازش در وقت [نماز عشاء] بود [نه پایان وقت عشاء].

پنجم:

برخی از حجاج نماز صبح را پیش از وقت آن می‌خوانند و سپس می‌روند، که این اشتباهی بس بزرگ است، زیرا نمازی که پیش از وقتش باشد صحیح نیست و بلکه این کار حرام است زیرا تجاوز به حدود الله عزوجل است و هر نماز وقتی دارد که شرع اول و آخر آن را مشخص کرده است و جایز نیست که کسی پیش از دخول وقت نماز آن را به جای آورد.

بنابراین حجاج باید مواظب این مساله باشند و نماز صبح را جز پس از یقین یا گمان غالب به دخول وقت فجر به جای نیاورند. درست است که در مزدلفه باید نماز صبح را زود بخوانند زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آن را زود به جای آوردند، اما معنایش این نیست که پیش از وقت نماز را بخوانی.

ششم:

بعضی از حاجیان بدون آنکه حتی کمی در مزدلفه توقف کنند از آن عبور می‌کنند و نمی‌ایستند و می‌گویند: رد شدن از مزدلفه کافی است. این اشتباهی بزرگ است زیرا عبور از مزدلفه کافی نیست و بلکه سنت دال بر این است که حاجی باید تا خواندن نماز صبح در مزدلفه بماند، سپس نزد مشعر الحرام توقف کند و تا وقت اِسفار به دعا مشغول شود، و سپس به منی برود. (اسفار یعنی روشن شدن کامل هوا پیش از طلوع خورشید). پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ تنها به ضعیفان خانواده‌اش اجازه داد تا شب از مزدلفه خارج شوند. اسماء دختر ابوبکر ـ رضی الله عنهما ـ منتظر می‌ماند تا ماه غروب کند، سپس از مزدلفه به منی می‌رفت.

این ـ یعنی خروج از مزدلفه پس از غروب ماه ـ باید حد فاصل [خروج ضعیفان از مزدلفه] باشد زیرا عمل صحابی است و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ اجازه دادند که ضعیفان به هنگام شب از مزدلفه خارج شوند اما در این حدیث بیان نکرده‌اند که چه وقت شب، اما عمل صحابی می‌تواند مبین و مفسر آن باشد. بر این اساس، شایسته است که وقت خارج شدن ضعیفان و کسانی که ازدحام برایشان مشکل است مقید به غروب ماه باشد. غروب ماه در شب دهم قطعا پس از نیمه شب

است یعنی با گذشت تقریبا دو سوم شب.

هفتم:

برخی از مردم در مزدلفه شب را به نماز و قرائت قرآن و ذکر می‌گذرانند که این خلاف سنت است، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در آن شب اینگونه عبادت نکردند، بلکه در صحیح مسلم از جابر ـ رضی الله عنه ـ روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ پس از آنکه نماز عشاء را خواندند تا طلوع فجر استراحت کردند و سپس نماز صبح را خواندند. این نشان می‌دهد که در این شب تهجد و عبادت و تسبیح و ذکر و قرآن [سنت] نیست.

هشتم:

برخی از حاجیان تا طلوع خورشید در مزدلفه می‌مانند و نماز اشراق را آنجا می‌خوانند و سپس از آنجا خارج می‌شوند که این اشتباه است، زیرا مخالف روش پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ و موافق با روش مشرکان است. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ هنگام روشن شدن هوا پیش از طلوع خورشید از آنجا خارج شدند، اما مشرکان برای خروج از مزدلفه تا طلوع خورشید صبر می‌کردند.

بنابراین کسی که از روی عبادت تا طلوع خورشید در مزدلفه بماند کارش شبیه مشرکان و مخالف سنت سرور پیامبران ـ صلی الله علیه وسلم ـ است».